

منابع درآمدی در سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام *

- داود آقاجانلو^۱
- سید محمد کاظم رجایی رامشه^۲

چکیده

منظور از سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام؛ سبک زندگی و رفتارهای ضابطه‌مند نسبتاً ثابت یا سیاست‌گذاری‌هایی است که از عملکرد آن‌ها در عرصه زندگی فردی، اجتماعی و حاکمیتی‌شان قابل استخراج می‌باشد. خوشبختانه با تلاش اندیشمندان عرصه تاریخ و سیره‌نگاران، سرمایه عظیم سبک زندگی و سیره اقتصادی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در دسترس ما قرار دارد که ارائه مناسب و تحلیل تخصصی آن‌ها می‌تواند به حل مشکلات، رشد اقتصادی و بهبود زندگی منتهی شود.

این تحقیق که با روش تحلیلی - توصیفی نگارش یافته، تلاشی در کشف و تبیین شیوه‌های مستمر کسب درآمد معصومان علیهم‌السلام است. یافته‌های تحقیق نشان

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱

۱. دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (نویسنده مسئول) (d.aghajanolou@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (smk_rajace@yahoo.co.uk)

می‌دهد که عمده فعالیت‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را کشاورزی، دامداری، تجارت و فروش خدمت تشکیل می‌داده است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام اقدام به فعالیت اقتصادی منتج به تولید طیب و مولد می‌کردند. ارث، موقوفات، هدایا و تحف از دیگر منابع درآمدی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: سیره اقتصادی، اقتصاد صدر اسلام، منابع درآمدی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام.

مقدمه

واژه «سیره» در لغت از ریشه سیر به معنای حرکت و پیمودن آمده و به مفهوم شیوه، حالت و سبکی است که در راه رفتن یا سایر رفتارها وجود دارد. منظور از سیره، سبک زندگی و رفتارهای ضابطه‌مند نسبتاً ثابت یا سیاست‌گذاری‌هایی است که از عملکرد آن‌ها در عرصه زندگی فردی، اجتماعی و حاکمیتی‌شان قابل استخراج می‌باشد. بنابراین در سیره، سخن از سبک زندگی فردی، رفتارهای نسبتاً مستمر اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی است. سبک زندگی فردی و خانوادگی را می‌توان در دو عرصهٔ مصارف، و کار و تولید طبقه‌بندی کرد.

منظور از سیره درآمدی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، سبک و روش مستمر کسب درآمد آن اسوه‌های عالم بشریت است.

از آنجا که گنجینه بزرگی از سخنان و رفتارهای اقتصادی اهل بیت علیهم‌السلام در دسترس ما قرار دارد، جمع‌آوری و ارائه آن‌ها به صورت تخصصی و منسجم می‌تواند رهیافتی برای مقاوم‌سازی اقتصاد خانواده و جامعه و بهبود شیوه زندگی اقتصادی باشد. سیره معصومان علیهم‌السلام افزون بر تجلی به عنوان منبع استنباط احکام شرعی، در تربیت نیروی انسانی، پیدایش حرکت جهادی و سرانجام رشد اقتصادی تأثیرگذار است.

این تحقیق که با روش تحلیلی - توصیفی نگارش یافته است، تلاشی است در کشف شیوه‌های مستمر کسب درآمد معصومان علیهم‌السلام. عمده فعالیت‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را کشاورزی، دامداری، تجارت و فروش خدمت تشکیل می‌داده است. ارث، موقوفات، هدایا و تحف از دیگر منابع درآمدی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام محسوب می‌شوند.

پیشینه موضوع

برخی از کتب و پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند، عبارتند از:

- منابع مالی اهل بیت علیهم‌السلام (علیدوست خراسانی، ۱۳۹۱)؛ این کتاب برای نقض این ذهنیت که امامان علیهم‌السلام درآمدی جز انفال و خمس نداشته‌اند، به رشته تحریر درآمده و در آن، بسیاری از روایات اقتصادی تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام استخراج شده، و درآمدها و منابع مالی معصومان علیهم‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا امام دوازدهم علیه‌السلام بررسی گردیده است.

- سیره اقتصادی معصومان علیهم‌السلام در کتاب‌های چهارگانه شیعه (ذاکری، ۱۳۹۸)؛ این کتاب به بررسی سیره اقتصادی معصومان علیهم‌السلام پرداخته و سیره درآمدی و مصارفی ایشان را نیز به تصویر کشیده است.

- سیره معیشتی معصومان علیهم‌السلام (مقدسی، ۱۳۹۷)؛ این کتاب در مقام واکاوی آموزه‌های دینی و سیره معصومان علیهم‌السلام در عرصه سیره معیشتی است و به ترتیب، به بیان اصول راهبردی اقتصادی، منابع درآمدی و هزینه فردی و بخششی پرداخته است.

- حیات اقتصادی امامان علیهم‌السلام از صلح امام حسن علیه‌السلام تا آغاز غیبت صغری (صغری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۳)؛ در این کتاب، حیات اقتصادی امامان از صلح امام حسن علیه‌السلام تا آغاز غیبت صغری تبیین شده و هزینه‌ها و مصارف زندگی امامان علیهم‌السلام چه به لحاظ دارا بودن جایگاه امامت و چه به لحاظ زندگی شخصی ایشان بررسی شده است.

- «منابع مالی و درآمدی امامان معصوم علیهم‌السلام» (شیرزاد، ۱۳۹۵)؛ در این مقاله تلاش شده با بیان روش‌های تولید منابع در سیره معصومان علیهم‌السلام، الگوی مناسبی برای معرفی راهکارهای تولید در جهت بهبود وضعیت مالی شیعیان و ترسیم سبک زندگی ارائه شود.

- «تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ نگارندگان این مقاله با بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی، به ارائه الگو از سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با رویکرد تاریخی و استناد به آیات و روایات پرداخته‌اند.

- «تأثیر سبک زندگی امیر مؤمنان علی علیه‌السلام بر کارآفرینی و تولید ثروت در راستای اصول اقتصاد مقاومتی» (مظفری، ۱۳۹۷)؛ این پژوهش به تحلیل مسائل اقتصادی مرتبط با

امیر مؤمنان علیه السلام می‌پردازد تا کیفیت تطبیق اقتصاد مقاومتی با سیره اقتصاد علوی را از طریق تحلیل تصمیمات اقتصادی امیر مؤمنان علیه السلام در زمینه تولید و کسب و کار روشن سازد.

مزیت جستار حاضر، بررسی سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام در حوزه درآمد فردی است.

اهمیت فعالیت اقتصادی در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام

تقویت فرهنگ کار و تلاش، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقدیر معیشت و مقاوم‌سازی اقتصاد دارد. مبدأ حرکت اغلب جوامعی که در تاریخ به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند، اصلاح ذهنیت مردم نسبت به کار بوده است. از بررسی‌های تاریخی چنین برمی‌آید که در آغاز بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مردم حجاز به جای تن دادن به کار، ترجیح می‌دادند از راه چپاول و غارت اموال دیگران یا وادار ساختن غلامان و کنیزان به کار، نیازهای خود را برطرف سازند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اولین گام جامعه‌سازی، به تبیین ارزش و اهمیت کار و گسترش فرهنگ آن در جامعه پرداخت و جایگاه والای کار و تلاش را بیان کرد؛ به گونه‌ای که تلاش برای کسب روزی را در ردیف بافضیلت‌ترین کارها در اسلام، یعنی عبادت و جهاد در راه خدا قرار داد (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۲). در همین راستا، تلاشگر در راه تأمین روزی حلال خانواده، بالاتر^۱ یا به منزله مجاهد فی سبیل الله دانسته شده است.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همیشه به پیروان خود توصیه می‌فرمود که از دسترنج خود استفاده کنند که در این صورت، شخص مستحق رحمت الهی می‌شود و خداوند او را عذاب نمی‌کند.^۳

انس بن مالک می‌گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک برمی‌گشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت آمد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با او دست داد، احساس کرد

۱. امام رضا علیه السلام: «الذی یطلب من فضل الله ما یکف به عیاله أعظم أجراً من المجاهد فی سبیل الله» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۷/۱۷).

۲. امام صادق علیه السلام: «الکاذ علی عیاله من حلال کالمجاهد فی سبیل الله» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۳).

۳. «کلوا من کذب آیدیکم، من أکل من کذب یده نظر الله الیه بالرحمة ثم لا یعدّبه أبداً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۴/۶۳).

که دستان وی زبر و خشن است! حضرت سؤال کرد: «چرا دستان تو این قدر خشن و زبر است؟» عرضه داشت: یا رسول الله! این خشونت و زبری دستان من به خاطر کارکردن با بیل و طناب است تا مخارج خانواده‌ام را تأمین کنم. پیامبر ﷺ دستان او را بوسید و فرمود: «این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد».^۱

تلاش برای رفع نیاز خود نه تنها وظیفه است، بلکه یکی از شرایط مهم پیمودن مسیر پیشرفت و تکامل انسانی فرد و جامعه شمرده می‌شود.

مطابق سیاست‌گذاری معصومان عليهم السلام اگر جامعه‌ای بخواهد مستقل و قدرتمند به حیات اجتماعی و سیاسی خود ادامه بدهد، ناچار به تلاش اقتصادی و مبارزه با بیکاری و تن‌پروری است. پیامبر اکرم ﷺ بر این نکته تأکید داشت که کارها را خودتان انجام دهید و هرگز از دیگران به اندازه یک چوب مسواک کمک نخواهید^۲ (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۰۵/۱۶).

به تحقیق می‌توان این آموزه اقتصادی را که در حوزه فردی بیان شده است، به اجتماع عمومیت داد و رمز موفقیت جامعه اسلامی را در این نکته دانست که جامعه‌ای می‌تواند از ثبات اقتصادی برخوردار باشد که اقتصادش درون‌زا بوده، ظرفیت‌های خود را شناخته و مورد توجه قرار دهد و متکی به خود باشد.

در آسیب‌شناسی پیشوایان معصوم عليهم السلام، انسان بیکار مورد تنفر و دشمن خداوند متعال^۳ و سربار دیگران^۴ یاد شده است. پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که از فردی خوشش می‌آمد، ابتدا از شغلش می‌پرسید، وقتی جواب می‌شنید که بیکار است، می‌فرمود: «از چشمم افتاد». هنگامی که سبب را می‌پرسیدند، می‌فرمود: «مؤمن وقتی بیکار باشد، دین خود را اسباب معیشت قرار می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۱۰۰).

۱. «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَمَّا رَجَعَ مِنْ تَبُوكَ اسْتَقْبَلَهُ سَعْدُ بْنُ مَعَاذٍ الْأَنْصَارِيُّ، فَقَالَ: مَا هَذَا الَّذِي أَرَى بِيَدِكَ؟ قَالَ: مَنْ أَثَرُ الْمَرْءِ وَالْمَسْحَاةِ أَضْرِبُ وَأَنْفَقَ عَلَى عِيَالِي، فَقَبِلَ النَّبِيُّ ﷺ يَدَهُ وَقَالَ: وَهَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهُ النَّارُ» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷۲/۳).

۲. «لَا يَسْتَعْنُ أَحَدُكُمْ بِالنَّاسِ وَلَوْ فِي قِضْمَةِ مِنْ سَوَاكٍ».

۳. امام کاظم عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ ﷻ يَبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامِ الْفَارِغَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۴/۵).

۴. امام صادق عليه السلام: «لَا تَكْسَلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلَا عَلَى غَيْرِكَ [أَوْ قَالَ:] عَلَى أَهْلِكَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۹/۱۷).

این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد افراد بیکار، حاوی این نکته مهم است که بیکاری ریشه بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌ها در زندگی افراد است؛ زیرا اگر یک فرد مسلمان، مخارج زندگی خود را با فعالیت‌های اقتصادی سالم و اشتغال به یک کسب پاکیزه و حلال تأمین نکند، به ناچار برای تأمین نیازهای زندگی، ارزش‌های دینی را زیر پا گذاشته و به کارهای نامشروع متوسل می‌شود.

پیشوایان معصوم علیهم السلام علاوه بر ارزش‌گذاری و ترغیب دیگران به کار و تلاش اقتصادی، خود نیز برای تأمین معاش حلال، زحمت و سختی آن را متحمل می‌شدند. نگاهی به آغاز تا انجام سیره معصومان علیهم السلام این واقعیت را تأیید می‌کند که سراسر عمر ایشان همراه با جهاد اقتصادی برای کسب روزی از راه‌های مشروع و در راستای حفظ عزت و پرهیز از تحمیل خود بر دیگران و وابستگی بوده است.

بر پایه روایتی، علی بن ابی‌حمزه شاهد کار و تلاش امام کاظم علیه السلام در مزرعه بود و وقتی از امام علیه السلام درباره غیبت کارگران سؤال کرد، حضرت فرمود: «ای علی! کسانی که بهتر از من و پدرم بودند، با دستانشان بر روی زمین کار کرده‌اند». وقتی راوی سؤال کرد که ایشان چه کسانی‌اند؟ حضرت فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و همه پدرانم با دستانشان کار کرده‌اند و این روش همه انبیا، اوصیا و صالحان است» (همان: ۱۱۵/۴۸).

معیارهای فعالیت اقتصادی و درآمد در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام

۱. طیب بودن

در سیره اقتصادی معصومان علیهم السلام، کار و تلاشی مطلوب است که افزون بر مولد بودن، در راستای تولید طیب قرار گیرد و عاری از هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی باشد. لازمه دستیابی به تولید طیب، پاکیزه و حلال بودن، دارای کیفیت مقبول و مضر نبودن کالاهای تولیدی است. همچنین عوامل و شیوه تولید نیز باید طیب باشد. طیب بودن شیوه تولید، ناظر به این است که در فرایند تولید، تعدی و تجاوزی به منابع طبیعی، حقوق الهی و حقوق انسانی صورت نگیرد (ر.ک: توکلی و شفیعی‌نژاد،

از نیازهای واقعی فرد و جامعه، تولید کالاهای اساسی و راهبردی است. در سیاست گذاری معصومان عليهم السلام، تولید کالاهای اساسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در مورد برخی شغل‌ها اهتمام بیشتری صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که کسب درآمد از طریق این شغل‌ها به عنوان پاکیزه‌ترین درآمدها یاد می‌شود. کشاورزی، دامداری و تجارت، از شغل‌هایی هستند که در آموزه‌های پیشوایان معصوم عليهم السلام، توصیه‌های فراوانی نسبت به آن‌ها شده است و کمک بسزایی به ثبات و مقاومت اقتصادی می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۷/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲۰/۵).

همچنین در رویکرد سیاستی و ارشادی معصومان عليهم السلام، کسب سود از هر راهی مجاز نیست. تلاش برای کسب روزی باید همراه با رعایت موازین حقوقی و اخلاقی باشد. ایشان علاوه بر نهی از تولیدات حرام و غیر طیب و حرمت روش‌های نامطلوب مانند ربا و قمار، به رعایت اخلاق در تجارت توصیه می‌کنند (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۶: ۸۴-۸۵).

۲. مولد بودن

از پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله درباره بهترین کار و ثروت سؤال شد، حضرت فرمود: «خَيْرُ الْمَالِ سِكَّةٌ مَّأْبُورَةٌ وَمُهْرَةٌ مَّأْمُورَةٌ» (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۹۲). «سکه» به کوچهای گفته می‌شود که کناره‌های آن پر از درخت خرما باشد؛ به همین جهت به کوچها «سکک» می‌گویند. «مأبوره» به معنای گرته‌برداری و باروری نخل است. واژه «مُهْرَةٌ مَّأْمُورَةٌ» به معنای حیوان پرنسل و مولد است. مقصود روایت این است اگر مال از حیوانات باشد، بهترین نوع، پرنساج آن است و اگر زراعت باشد، بهترین نوع آن کشت پرمحصول است. بنابراین روایت بر این مطلب تأکید دارد که بهترین تولید و مال از نوع مولد آن است.^۱

در مقابل، فعالیت‌های غیر مولد به کارهایی اطلاق می‌شود که ارزش افزوده واقعی از آن‌ها حاصل نشود و در صورتی که از اقتصاد حذف شوند، نه تنها تأثیر منفی بر رشد

۱. «السكّة: الطريقة المصطفة من النخل، والمأبورة الملحقة، يقال: أبرت النخلة. وقيل: السكّة سكّة الحرث، والمأبورة المصلحة له، أراد خير المال تاج أو زرع» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۱/۱۳).

اقتصادی ندارند، بلکه زمینه افزایش رشد اقتصادی را نیز فراهم می‌کنند. فعالیت غیرمولد سبب می‌شود که سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و مضر حرکت کند، در نتیجه ثبات و پایداری اقتصادی کاهش یابد. نگاهی به ادبیات موضوع در بیان اقتصاددانان نیز نشان می‌دهد که وجود فعالیت‌های غیر مولد در اقتصاد، خطری جدی بوده و تبعاتی از قبیل گسترش بخش غیر رسمی در اقتصاد، توزیع ناعادلانه درآمد، کاهش رفاه جامعه و کاهش نرخ رشد تولید را با خود به همراه دارد.^۱

پیشوایان معصوم عليه السلام با نهی از تولید غیر نافع به دنبال حذف فعالیت‌های غیر مولد در اقتصاد بوده‌اند؛ فعالیت‌هایی که به افزایش ثروت اقتصادی واقعی جامعه منجر نمی‌شوند، بلکه باعث هدر رفتن منابع هستند (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۶: ۸۴-۸۵).

راه‌های کسب درآمد و تأمین معاش

۱. فعالیت اقتصادی

الف) زراعت و باغداری

کشاورزی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجاد و حفظ استقلال، امنیت پایدار و ثبات اقتصادی است و عاملی مهم و تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی به حساب می‌آید. این بخش در قیاس با بخش صنعت از اهمیت بیشتر و بالاتری برخوردار است؛ زیرا نابودی بخش کشاورزی در هر کشور می‌تواند خطر وابستگی و ناامنی را به خصوص در شرایط بحرانی مانند زمان وقوع جنگ‌های گسترده، به شدت افزایش داده و سلامت مردم را در معرض خطر جدی قرار دهد. اهمیت بخش کشاورزی در ثبات و رشد اقتصادی بیانگر این واقعیت است که کشاورزی به عنوان اولین بخش اقتصاد و عرضه‌کننده عوامل اساسی زندگی بشر و بخش‌های دیگر اقتصاد، مادر تمام فعالیت‌ها و صنایع مورد نیاز جوامع است (ر.ک: کریم و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

نقش راهبردی کشاورزی، مورد تأکید فراوان آیات قرآن و روایات قرار گرفته و با

۱. امینی، پایگاه خبری مقاومتی نیوز، شناسه خبر: ۱۴۶۷۳.

نام‌های آبادانی زمین، بهترین حرفه، پاکیزه‌ترین و محبوب‌ترین شغل نزد خدای تعالی و شغل انبیای عظام علیهم‌السلام یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۰/۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۳/۱۹؛ ابن‌ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۲۰۳/۳).

امیر مؤمنان علیه‌السلام در مورد ضرورت و اهمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی خدادادی می‌فرماید:

«هر کس آب و خاک در اختیار داشته باشد، ولی به فقر و فلاکت دچار شود، خداوند وی را از رحمتش محروم می‌کند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۱/۱۷).

با وجود «لم یزرع» بودن بخش وسیعی از سرزمین حجاز، کشاورزی از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های تولیدی رایج در زمان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بوده است. خرما، انگور، گندم، جو و زعفران، برخی از محصولات جزیره‌العرب بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۶/۵؛ حرّ ۱۰-۹ و ۴۹/۴، ح ۱۲؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۵۱/۳، ح ۳۹۰۹).

اقتصاد مدینه بر خلاف اقتصاد مکه که بر تجارت تکیه داشت، به زراعت و کشاورزی وابسته بود و این شهر تقریباً در منطقه‌ای سرسبز قرار داشت. مدینه به جهت اوضاع طبیعی و آب و هوایی خود با داشتن زمین‌های حاصلخیز، آب‌های زیرزمینی و دره‌ها، برای کشاورزی مساعد بود و از مراکز زراعی حجاز محسوب می‌شد و وجود تعداد زیادی از رودخانه‌ها که در زمان بارندگی پرآب می‌شدند، موقعیت بخش‌هایی از مدینه را برای کشاورزی مساعد کرده بود و این شهر به فراوانی بستان‌ها و مزارع شناخته می‌شد (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه به سبب وجود زمینه کشاورزی، به زراعت می‌پرداخت. بستان‌های هفت گانه مخیریق، اراضی بنونضیر در اطراف مدینه، همچنین اراضی خیبر، فدک، وادی‌القری، مزارع و باغات حضرت را تشکیل می‌داد (ر.ک: مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۰۳-۲۰۰).

در برخی زمان‌ها، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود به امور کشاورزی می‌پرداخت و در زمان‌هایی، از نیروی کار بهره می‌جست (واقعی، ۱۴۰۹: ۳۷۸/۱). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام گاهی اوقات به اتفاق یکدیگر زراعت می‌کردند؛ بدین ترتیب که امیر مؤمنان علیه‌السلام بیل می‌زد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز هسته خرما را با آب مبارک دهان خیس کرده و در زمین می‌نهاد؛ پس در

همان ساعت می‌روید و سبز می‌گشت.^۱

اقدامات زراعی و باغداری امیر مؤمنان علیه السلام، سرآمد سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام در کشاورزی بوده است که بخشی از آن به روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و بخشی به عصر پس از آن حضرت به ویژه دوران عزلت ایشان مربوط است. بیشترین تلاش‌های کشاورزی امامان بعدی، در محور زیرساخت‌های زراعی امیر مؤمنان علیه السلام بوده است (مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۱۰). فرایند کشاورزی، دو مرحله زیربنایی و روبنایی را تشکیل می‌دهد. تهیه زمین زراعی و آماده‌سازی زمین برای زراعت و نهال‌کاری، از کارهای زیربنایی تولید است. کار آبیاری در منطقه کم‌باران و سرزمین‌های خشک، به زیرساخت‌هایی از قبیل حفر چاه، ایجاد قنات و جاری ساختن نهر از آن‌ها یا از چشمه‌ها و رودها نیاز دارد. یکی از کارهای امیر مؤمنان علیه السلام آباد کردن زمین‌های موات برای کشاورزی بوده است.

از جمله سیاست‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، واگذاری زمین زراعی به افراد و گروه‌ها بود (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اقطاع‌های گسترده‌ای دست زد (ابویوسف، بی‌تا: ۶۲-۶۸). آن حضرت درّه‌ای در مدینه را به حرام بن عبدعوف از قبیله بنی‌سلیم واگذار کرد و در انتهای سند این واگذاری، نسبت به برقراری عدالت و پرهیز از هر گونه ستم تأکید فرمود (ابن سعد، بی‌تا: ۲۷۴/۱؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۴۳۴/۳).

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله منطقه یبوع را به امیر مؤمنان علیه السلام واگذار کرد. ایشان زمین را برای کشاورزی آماده ساخت و در آن چشمه ایجاد کرد و بخشی از آن را به نخلستان تبدیل نمود (ابن شبه، ۱۴۱۰: ۲۲۱/۱). بر اساس روایتی، مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام یک وسق - معادل شصت صاع - هسته خرما دید. از ایشان پرسید: این‌ها چیست؟ حضرت فرمود: همه آن‌ها به اذن الله درخت خرما خواهند شد. امام آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی پدید آورد و دانه‌ای تباه نشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۵/۵).

امیر مؤمنان علیه السلام در این باغ‌ها و نخلستان‌ها به گونه‌ای کار می‌کرد که سختی آن، چهره‌اش را تغییر داده بود تا حدی که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با مشاهده غبار بر چهره و اعضای ایشان فرمود:

۱. «قال أبو عبد الله علیه السلام: كان أمير المؤمنين علیه السلام يضرب بالمرز ويستخرج الأرضين وكان رسول الله صلی الله علیه و آله يَمْصُ النوى بفيه ويغرسه فيطعم من ساعته...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۷/۱۷).

«اگر مردم تو را با واژه "ابوتراب" بخوانند، آنان را سرزنش نمی‌کنم» (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۵۷/۱، ح ۳).

امیر مؤمنان علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و در دوران خانه‌نشینی، کشاورزی گسترده‌ای انجام داده و محصول فراوانی به دست می‌آورد. آبادانی و تولیدات زراعی ایشان در سرزمین ینبع، سرآمد دیگر تولیدات زراعی آن حضرت است. محصول این مزرعه، غله‌ای بود که افزون بر بذل و بخشش‌های حضرت، معیشت ایشان را در دوران حکومت تأمین می‌کرد (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۰۹، ح ۲۰۰۸۶).

حضرت امیر علیه السلام پس از به ثمر نشستن مزارع، وکیلانی برای اداره و نگهداری آن‌ها تعیین می‌کرد که نوعی کارآفرینی محسوب می‌شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۴۰، ح ۱۱). سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز بنا به امکانات و شرایط زمانه، برای تأمین معاش خانواده خود به کشاورزی مشغول بودند. بخشی از باغ‌های ملکی پدر به حسنین علیهم السلام به ارث رسیده بود. امیر مؤمنان علیه السلام اختیار بهره‌گیری از این مزارع را به ترتیب به امامان بعدی سپرده بود تا در هر موردی که مصلحت بدانند، به مصرف برسانند. از این رو با کشاورزی و بهره‌گیری از زمین‌ها، بخشی از منابع درآمدی معصومان علیهم السلام تأمین می‌شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۹/۱۴۶، ح ۵۵ و ص ۱۴۸، ح ۷).

جهت پرهیز از اطاله کلام، به بیان نمونه‌ای از سیره امام باقر علیه السلام بسنده می‌شود. روزی امام باقر علیه السلام در اطراف مدینه و در هوای گرم، مشغول بیل زدن و آماده‌سازی زمین بود و بر اثر کار و گرمای شدید، عرق از پیشانی ایشان می‌ریخت. شخصی به ایشان رسید و گفت: خدا کار تو را سامان بخشد، آیا سزاست که بزرگی از قریش در این هوای سوزان این گونه در طلب دنیا باشد؟ اگر در همین حال اجل تو فرا رسد، چه می‌کنی؟ امام فرمود:

«اگر مرگ به سراغم آید و من در همین حال باشم، در حال اطاعت خداوند بوده‌ام که به وسیله کار، معاش خود و افراد خانواده خود را تأمین می‌کنم و از تو و دیگران بی‌نیاز می‌شوم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶/۲۸۷).^۱

۱. برای مطالعه کشاورزی در سیره ر.ک: مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۰۰-۲۵۵.

در این روایت، حضرت عَلَيْهِ السَّلَام تلاش برای تأمین نیازهای خانواده و استغنا از دیگران را راز تلاش و مجاهدت خویش بیان می‌کند که با تسری این نگرش به جامعه اسلامی می‌توان به مقاومت اقتصادی دست یافت.

ب) شبانی و دامداری

اهمیت دامداری در اشتغال و درآمدزایی و همچنین تأمین فرآورده‌های دامی نظیر گوشت و لبنیات در سبد غذایی انسان بر کسی پوشیده نیست. خودکفایی در تولید این فرآورده‌ها، یکی از راهکارهای امنیت غذایی اقتصاد است.

دامداری و شبانی مانند کشاورزی، از شغل انبیا و اولیا شمرده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۰/۵).

اولین شغل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را می‌توان شبانی دانست؛ چرا که در مکه، زمینه زراعت فراهم نبود و اولین سفر تجاری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز در ۲۵ سالگی رخ داد. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود:

«خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، جز اینکه آن پیامبر شبانی کرده است. پرسیدند: و شما نیز؟ فرمود: آری، من نیز برای اهل مکه در منطقه قرابط شبانی می‌کردم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۶۱).

گرچه سر اصلی چوپانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، آمادگی برای تربیت مردم (صدوق، ۱۳۸۵: ۳۲/۱)، خلوت‌گزینی و تفکر در دل صحرا بوده، اما طبیعی است که نفس این عمل، آثار اقتصادی داشته و کمک مالی برای بستگان و عمویش به شمار می‌آمد. از این رو می‌توان آن را در ردیف فعالیت‌های اقتصادی ایشان به شمار آورد (جباری، ۱۳۸۵-۱۳۸۶: ۲۹).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حیوانات و دام‌های زیادی داشت که افرادی به عنوان چوپان از حیوانات محافظت می‌کردند (دلمی، ۱۴۱۲: ۱۶۱/۱).

ایشان برای تأمین مخارج خانواده، گوسفند و بزغاله نگهداری می‌کرد و بر دوشیدن آن‌ها با دست‌ان خویش تا زمان وفات تأکید داشت (صدوق، ۱۳۷۸: ۸۱/۲، ح ۱۴).

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هنگام رحلت، چهل شتر شیرده بر جای نهاد که پس از ایشان به دخترش حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام انتقال یافت که در حقیقت در ردیف دامداری امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام

قرار گرفت (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۲/۲۶-۱۰۳، ح ۳۲۵۸۴). اموال و دامداری امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندان انتقال یافت و از روایات استفاده می‌شود که داشتن دام در منزل، امری عمومی بود و از گوسفند تعبیر به برکت شده و در برخی روایات دیگر برای گاو و شتر شیرده نیز چنین تعبیری به کار برده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۵/۶). پیشوایان معصوم علیهم السلام مردان و زنان را به داشتن دام توصیه می‌کردند که از این طریق کسب درآمد کرده و از مشکلات اقتصادی آنان کاسته شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ذاکری، ۱۳۹۸: ۱۳۰-۱۳۴؛ مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۶۷-۲۵۶).

ج) تجارت و بازرگانی

تجارت علاوه بر اینکه نیروی محرکه رشد اقتصادی است، می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر از طریق بالفعل سازی ظرفیت بخش خصوصی برای ایجاد شغل داشته باشد. همچنین تجارت علاوه بر فواید اقتصادی، می‌تواند از طریق پیوندهای تجاری به صلح جهانی کمک کند.

در سیره اقتصادی معصومان علیهم السلام، تجارت از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است و ایشان مسلمانان را به کسب درآمد از طریق بازرگانی تشویق می‌کردند.

مطابق فرمایش نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره فضل تجارت، نه سبب از اسباب ده گانه رزق از راه تجارت به دست می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۱۰۰). از همین روی، شیعیانی را که از تجارت دست می‌کشیدند، مورد عتاب قرار داده، می‌فرمود:

«... تجارت را رها نکنید تا خوار نشوید. تجارت کنید تا خداوند به شما برکت دهد.»^۱

پیشوایان معصوم علیهم السلام از تجارت به عنوان وسیله بی‌نیازی از دیگران، رشد عقل معاش، حفظ و برکت اموال (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۵-۱۴۹)، تحصیل عزت (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/۱۷) و قوام معیشت (منسوب به امام رضا علیه السلام: ۱۴۰۶: ۳۰۱) یاد کرده‌اند که همه موارد در راستای ثبات و رشد اقتصادی است.

۱. «سئل أبو عبد الله علیه السلام عن رجل وأنا حاضر، فقال: ما حبسه عن الحیح؟ فقیل: ترك التجارة وقَلَّ شیئُه، قال: وكان متکئاً فاستوی جالساً، ثم قال لهم: لا تدعوا التجارة فتهونوا، اتجروا ببارک الله لكم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۵).

در نامه امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر نیز به اهمیت و کارکرد تجارت تصریح شده

است:

«ای مالک! امور تجار و صنعتگران را شخصاً بررسی کن؛ چه آنان که در شهر مشغول تجارت‌اند و چه آنان که در اطراف زندگی می‌کنند؛ زیرا آنان، منابع اصلی منافع و اسباب آسایش و ثبات جامعه به شمار می‌روند؛ آنهایی که از سرزمین‌های دوردست، از پرتگاه‌ها، کوهستان‌ها، دریاها و سرزمین‌ها، مواد مورد نیاز را گرد می‌آورند؛ مناطقی که عموم مردم با آن سروکاری ندارند و جرأت رفتن به آن سامان را ندارند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۳۸).

هرچند عمده مطالب مطرح‌شده در روایات، در خصوص مطلق تجارت است، ولی درباره تجارت خارجی نیز مصداق دارد؛ به ویژه آنکه در صدر اسلام، تجارت میان بلاد و مناطق گوناگون بسیار رایج بود و اهل حجاز برای تجارت به شامات، عراق و مصر سفر می‌کردند (توکلی، ۱۳۹۸: ۱۱) و تجارت داخلی در شهرها و بازارهای منطقه‌ای بود (مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۸۱).

علاوه بر اقتصاد مکه که بر تجارت استوار بود، مدینه نیز به عنوان محل زندگی اغلب معصومان علیهم السلام، اندکی پیش از اسلام به عرصه مهم اقتصادی تبدیل شده و در تجارت پیشرفت‌هایی داشت. شهر مدینه توقفگاه مهم بازرگانانی بود که از حجاز و یمن به سوی شام و شرق می‌رفتند. فراوانی بازارها به شکوفایی تجارت داخلی مدینه گواهی می‌دهند (ابن اسحاق بن یسار، ۱۴۱۰: ۲/۳۰۰).

پیشوایان معصوم علیهم السلام اهتمام فراوانی به امر تجارت داشتند و یا اموالشان را نزد شخصی قابل اعتماد برای تجارت می‌سپردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در سن ۲۵ سالگی با سرمایه خدیجه علیها السلام برای تجارت راهی شام شد و در این سفر با سود خوبی به مکه بازگشت. البته کار تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر به این مورد نبوده است (جباری، ۱۳۸۵-۱۳۸۶: ۳۰).

شخصی به نام اسباط بن سالم نقل می‌کند که محضر امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت بعد از اینکه از ترک تجارت یکی از شیعیان آگاه شد، درباره سیره رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«پیامبر خدا کالای کاروانی را که از شام آمده بود، خرید و از آن معامله، چنان سودی برد که قرض خود را پرداخت و مابقی را میان بستگان تقسیم کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۸۰).

محمد بن عذافر به نقل از پدرش می‌گوید: امام صادق علیه السلام هزار و هفتصد دینار به من داد و فرمود:

«با این پول برای من تجارت کن و بدان که من از روی حرص به مال این کار را نکرده‌ام، بلکه دوست دارم که خداوند مرا ببیند که می‌خواهم از فضل او بهره‌مند گردم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴/۱۷).

انواع محصولات زراعی، حیوان، مواد مورد نیاز زندگی، زمین و کالای بزازی، از جمله کالاهای مورد تجارت و خرید و فروش معصومان علیهم السلام بوده است (مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۸۹-۲۹۵).

تجارت از منظر اسلام دارای شرایط و محدودیت‌های خاصی بوده که با رعایت آن‌ها، تجارت سودمند و پسندیده خواهد بود که از آن موارد می‌توان به یاد خداوند، آشنایی با مسائل شرعی تجارت، صداقت، سود عادلانه،^۱ پرهیز از سوگند و غش در معامله و احتکار اشاره کرد.

در روایات بسیاری، واسطه‌گری غیر ضروری در زمینه خرید و فروش نهی شده که یکی از مصادیق آن، اصطلاح تلقی زُکبان است؛ یعنی فرد، مال کاروان‌های تجارتي را در خارج از شهر بخرد و آن‌ها را در شهر به قیمت گران‌تری بفروشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«به پیشباز کاروان‌های تجاری نو [که از آن‌ها کالاهایشان را ارزان بخری و بعد در شهر گران بفروشی]؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این کار نهی کرده است».^۲

۱. روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که وقتی حضرت شخصی را برای تجارت به مصر فرستاد و عامل حضرت با سود صد درصد به مدینه برگشت و در مقابل حضرت قرار داد، ایشان نپذیرفت و آن را غیر عادلانه و اجحاف در حق مردم مسلمان مصر دانست و فقط به رأس‌المال خویش بسنده کرده، فرمود: «شمشیر زدن از کسب حلال آسان‌تر است» (همان: ۱۶۱/۵).

۲. «لا تلق، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نهی عن التلقى» (همان: ۱۶۹/۵).

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از فعالیت‌های دلالی و سفته‌بازی دوری می‌جستند و این کارها را سزاوار فرد مؤمن نمی‌دانستند؛ از این رو از شیعیان می‌خواستند که به سراغ مشاغل مهم و بزرگ بروند (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۱/۵).

همچنین برخی روایات نسبت به نوع کالا، مسلمانان را به نهاده اولیه جهت‌دهی کرده‌اند تا ارزش افزوده ناشی از تبدیل به کالای نهایی نصیب خودشان شود. سه کالای «گندم»، «آرد» و «نان» را به عنوان سه نماد نهاده اولیه، کالای واسطه‌ای و کالای نهایی کنار هم قرار داده و خرید گندم (نهاده اولیه) را موجب ازدیاد ثروت، آرد (کالای واسطه‌ای) را موجب از دست دادن بخشی از مال، و خرید نان (کالای نهایی) را موجب فقر معرفی فرموده‌اند.^۱

هرچند این روایت در مورد یک کالا وارد شده است، ولی شاید بتوان با الغاء خصوصیت و تنقیح مناط، آن را به کل اقتصاد تسری داد و در واقع این گونه تبیین کرد که واردات کالاهای واسطه‌ای و نهایی، همچنین صادرات مواد اولیه و کالای واسطه‌ای در سیره معصومان علیهم‌السلام نهی شده که جامعه و حکومت را به فقر، ذلت و شکنندگی اقتصادی می‌کشاند و در مقابل، واردات کالاهای خام و اولیه، عزت و شکوفایی اقتصادی را به همراه دارد.

د) فروش خدمت و سهم‌بری

گاهی برخی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در مقاطعی برای تأمین معاش زندگی، به عنوان عامل یا کارگر برای دیگران کار می‌کردند. نیروی کار به دو روش پاداش ثابت و مشارکت در سود می‌تواند پاداش تولید را دریافت کند.

در سیاست‌گذاری اقتصادی معصومان علیهم‌السلام، یکی از معاملاتی که مکروه شمرده شده، اجیر شدن انسان در مقابل دریافت مزد است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۵۳/۶).

امام محمد باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

۱. «... قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: شراء الحنطة ينفي الفقر وشراء الدقيق ينشئ الفقر وشراء الخبز محق. قال: قلت له: أبقاك الله، فمن لم يقدر على شراء الحنطة؟ قال: ذلك لمن يقدر ولا يفعل. ... قال لي أبو عبد الله عليه السلام: شراء الدقيق ذلّ وشراء الحنطة عزّ وشراء الخبز فقر، فنعوذ بالله من الفقر» (حرّ عاملي، ۱۴۰۹: ۴۳۸/۱۷).

«کسی که به استخدام دیگری درمی‌آید، روزی را بر خود تنگ می‌کند. چگونگی روزی او تنگ نمی‌شود، در حالی که هر چه به دست می‌آورد، برای کسی است که او را به استخدام درآورده است»^۱.

بیان زیبایی امام باقر علیه السلام حاکی از آن است که انسان در فعالیت‌های اقتصادی خود نباید به نحوی عمل کند تا از محصول کار او، دیگران بهره‌مند گردند. روش دستمزد ثابت دقیقاً همان روشی است که امام علیه السلام آن را تقبیح می‌فرماید. مطابق فرمایش امام علیه السلام، در چنین روشی، محصول کار دستمزدبگیران نصیب دیگران می‌شود و موجب توزیع نامناسب ثروت خواهد شد (ر.ک: یوسفی، ۱۳۸۴: ش ۳۷).

سیره اقتصادی معصومان علیهم السلام مطابق معمول بر این بوده است که برای دیگران در مقابل دستمزد ثابت کار نکنند؛ بلکه به جهت منافع اقتصادی، روش سهم‌بری را انتخاب می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایام جوانی به بازرگانی اشتغال داشت. خدیجه رضی الله عنها زنی بازرگان، پاک‌نژاد و ثروتمند بود. ایشان مردانی را به استخدام خود درآورده و با آنان قرارداد مضاربه می‌بست تا از سود حاصله مقداری به آنان پردازد. وقتی خبر راستگویی، امانتداری و بزرگواری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه رضی الله عنها رسید، از حضرت تقاضا کرد تا با سرمایه‌ای که در اختیار ایشان قرار می‌دهد به همراه خدمتکارش میسره برای بازرگانی به شام سفر کند و در مقابل، بیش از آنچه به دیگر بازرگانان می‌دهد، به ایشان پردازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد او را پذیرفت و با سود زیاد و خرید اجناس مورد نیاز مردم به مکه بازگشت (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۰۹-۵۰۸/۱؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶: ۴).

ابن شهر آشوب از محمد بن کعب قرظی چنین نقل می‌کند: امیر مؤمنان علیه السلام آثار گرسنگی را در چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده کرد. پوستی برداشت، میان آن را گرد کرد و به گردن انداخت و میان آن را با لیف خرما بر کمر خود محکم کرد. ایشان نیز به شدت گرسنه بود. مردی را دید که با چرخ از چاه، آب بیرون می‌کشید، به او گفت: آیا به ازای هر دلو آب، یک خرما می‌دهی؟ مرد قبول کرد. امیر مؤمنان علیه السلام برای او از چاه، آب بیرون کشید؛ به قدری که دست‌هایش پر از خرما شد. آنگاه دلو را رها کرد و

۱. «من آجر نفسه، فقط حضر علیه الرزق وكيف لا يحظر عليها الرزق، وما أصابه فهو لرب آجره» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۷۴/۳).

خرما را نزد پیامبر ﷺ آورد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۲۵/۲).

امیر مؤمنان علیه السلام خود در این باره چنین می‌فرماید:

«در مدینه به گرسنگی شدیدی مبتلا شدم. برای جستجوی کار در حوالی مدینه از خانه خارج شدم. نزد فردی رفتم و هر دلو آب را به یک خرما با او معامله کردم. شانزده دلو آب از چاه کشیدم و دست‌هایم تاول زد. آنگاه او شانزده خرما شمرد و به من داد، نزد پیامبر ﷺ رفتم و ایشان از خرما تناول کرد» (ابن حنبل، ۱۴۱۴: ۲۸۶/۱).

به این نوع فعالیت (هر دلو به ازاء یک خرما) در اصطلاح امروزی، «پیمانکاری» گفته می‌شود که با مزدوری متفاوت است. به همین دلیل، عده‌ای از فقها کراهت را بر موردی حمل کرده‌اند که اجیر، تمام وقت خود را در اختیار صاحب کار قرار داده باشد و به همین جهت، هر چه به دست می‌آورد، برای صاحب کار خواهد بود؛ ولی اگر اجاره در ازاء انجام کار معین (نه وقت) باشد، کراهت ندارد؛ همان طور که امیر مؤمنان علیه السلام برای افراد مختلف، چنین اجیر شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۴۹/۱۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۵۳۲/۲۱).

نکته حائز اهمیت این است که با توجه به سختی وضعیت اقتصادی حجاز برای مسلمانان در اوایل هجرت و فقدان منابع درآمدی از یک سو و لزوم تأمین معیشت خانواده از سوی دیگر، همه مسلمانان برای تأمین عزتمندانه زندگی خود در تکاپو بوده‌اند. لذا ممکن است پیشوای معصوم علیه السلام گاهی ناگزیر از کارگری به صورت کارمزدی حتی برای غیر مسلمانان بوده باشد (ر.ک: اربلی، ۱۳۸۱: ۶۰/۲).

بخش دیگری از مخارج زندگانی خانواده امیر مؤمنان علیه السلام، با دست‌بافت‌های حضرت زهرا علیه السلام تأمین می‌گشت. نقل شده است که در روزگار تنگدستی و به تناسب دوره، امیر مؤمنان علیه السلام با مراجعه به فردی که کارگاه بافندگی داشت، مقداری از پشم ریسندگی او را به خانه می‌برد و حضرت صدیقه طاهره علیه السلام روزانه در ازاء مزد یک صاع جو، آن را می‌بافت و با آرد کردن جو به تهیه غذای خانواده می‌پرداخت (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۵۷، ح: ۱۱؛ ر.ک: مقدسی، ۱۳۹۷: ۲۷۰-۲۷۷؛ ذاکری، ۱۳۹۸: ۱۱۸-۱۲۳).

بعید نیست که مزد بافندگی به صورت سهم‌بری بوده باشد؛ برای مثال، یک صاع جو در مقابل هر لباس دریافت می‌کرده‌اند، نه به صورت روزانه. علت تعبیر راویان به

روزمزدی نیز یکسان‌انگاری دو روش و عدم دقت در تفکیک سهم‌بری از روزمزدی بوده است.

در سال‌های بعد، امیر مؤمنان علیه السلام چند قطعه زمین در حوالی مدینه به دست آورد و به کشاورزی پرداخت و از چنین فعالیت‌های بی‌نیاز شد. گزارش‌ها از فعالیت کاری دیگر معصومان علیهم السلام مربوط به بهره‌گیری از مباحات یا کار در زمین‌های خود بوده است.^۱

بنابراین بر پایه سیره معصومان علیهم السلام، در نظام اقتصادی باید حتی‌الامکان به جای اجاره و مزد ثابت، از روش مشارکت در سود تولید استفاده شود. در این روش، هنگام رونق و رکود اقتصادی، نیروی کار و هر یک از عوامل تولید، سهم واقعی خود را بر معیار کار از محصول نهایی می‌برند. توزیع درآمدها عادلانه شده و شکاف طبقاتی کاهش خواهد یافت (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۹۳: ۳۶۲-۳۶۳).

۲. ارث

گاهی پیشوایان معصوم علیهم السلام مانند دیگران، صاحب اموالی می‌شدند که از پدر و مادر به آن‌ها ارث می‌رسید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اموالی از پدرش عبدالله، ام ایمن حبشیه و پنج شتر و مقداری گوسفند از مادرش آمنه، خانه‌ای که در آن متولد شده بود و خانه‌ای در شعب بنی علی و از همسرش خدیجه، خانه‌اش در مکه و اموال دیگری را به ارث برد (علیدوست خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

برای پیامبر غیر از فدک، اموال دیگری نیز وجود داشت که شامل باغی در مدینه، چهل شتر، شش اسب و اموال دیگری بود که به حضرت زهرا علیها السلام ارث رسید و امیر مؤمنان علیه السلام در وصیت خود به اموالی اشاره می‌کند که از پیامبر به حضرت فاطمه علیها السلام ارث رسیده بود (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۲/۱۴).

امیر مؤمنان علیه السلام نیز اموالی در مدینه از جمله زمین‌های زراعی ینبع را برای فرزندان به میراث گذاشت و املاکی در وادی القری داشت که به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام هدیه کرد. حضرت بعد از شهادت تنها هفتصد درهم از اموال نقدی باقی گذاشت که

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: همین مقاله، مبحث «زراعت و باغداری».

آن هم از عطایش زیاد آمده بود و طبق فرموده امام حسن علیه السلام می‌خواست با آن پول خدمتکاری برای خانواده‌اش بخرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵۷/۱).

طبق گزارشی از احمد بن ابی‌خالد، غلام امام جواد علیه السلام، آن حضرت سرپرستی اموال، املاک، غلامان و کنیزان خود را به عبدالله بن مساور سپرد تا پس از بالغ شدن فرزندش امام هادی علیه السلام، آن‌ها را به ایشان تحویل دهد تا برای مخارج خود و خواهرانش از آن‌ها استفاده نماید (همان).

علی بن راشد از امام هادی علیه السلام درباره تکلیف اموال امام جواد علیه السلام که نزد وی بود، سؤال کرد و امام هادی علیه السلام جواب داد که اگر اموال مربوط به مقام امامت باشد، به امام زنده می‌رسد؛ ولی اگر اموال شخصی باشد، باید طبق قانون ارث تقسیم شود.^۱

۳. موقوفات

موقوفات از دیگر منابع مالی پیشوایان معصوم علیهم السلام بود که از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام برای آنان به صورت خاص یا عام وقف شده بود.

در مورد وقف عام، واقف می‌تواند تحت عنوان کلی سبیل الله ضمن اینکه تمام نیازمندان را به عنوان مصرف‌کنندگان در نظر دارد، برای برخی از عناوین جزئی‌تر مانند فقیران، عالمان و ارحام اولویت قائل شود. از این رو مشاهده می‌شود که امیر مؤمنان علیه السلام برای ارحام خود اولویت خاصی قائل شد (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۹۶/۷). ایشان سرپرستی و مدیریت صدقات و موقوفات را به عهده امام حسن و سپس امام حسین علیهم السلام و آنگاه صالح‌ترین فرزند علی علیه السلام و در نبود چنین فردی، صالح‌ترین فرد از فرزندان فاطمه علیه السلام واگذار کرد (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۵/۹-۱۴۸).

حضرت فاطمه علیه السلام صدقات و موقوفات خود را برای بنی‌هاشم و بنی‌مطلب قرار داد و هنگام شهادت، تولیت موقوفات خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به امیر مؤمنان علیه السلام و بعد از ایشان به ترتیب به امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سپس فرزندان بزرگ‌تر ایشان واگذار کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۱۸۴-۱۸۵).

۱. «باسناد عن أبي علي بن راشد قال: قلت لأبي الحسن الثالث علیه السلام: إنا نوتى بالشيء، فيقال: هذا كان لأبي جعفر علیه السلام عندنا، فكيف نصنع؟ فقال: ما كان لأبي علیه السلام بسبب الإمامة فهو لى وما كان غير ذلك فهو ميراث على كتاب الله وسنة نبيه» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۳۷/۹).

از سوی دیگر، شیعیان در سراسر سرزمین‌های اسلامی نیز اموالی را وقف ائمه علیهم السلام می‌کردند که وکلا درآمد حاصل از آن‌ها را به صورت منظم به دست امام یا به مصارف مجاز می‌رساندند. به نظر می‌رسد برخی از مناطق شیعه‌نشین از نظر کثرت موقوفات با سایر مناطق تفاوت داشته‌اند؛ از جمله منطقه قم دارای موقوفات زیادی بوده است. طبق روایت کلینی، صالح بن محمد بن سهل نیز از سوی امام جواد علیه السلام، یا احمد بن اسحاق اشعری در عصر امام عسکری علیه السلام وکیل وقف در قم بوده است (جباری، ۱۳۸۲: ۱/۲۹۵).

۴. هدایا و تحفه

یکی از منابع مالی پیشوایان معصوم علیهم السلام هدایا و تحفه‌ها بوده است. تقدیم هدایا به معصومان علیهم السلام یکی از شیوه‌های ابراز دوستی مردم به ایشان بوده و انحصار به شیعیان نداشته و حتی از طرف خلفا و حکومت‌ها نیز انجام می‌شده است. بنابراین هدایا به انواع هدایای مردمی و حکومتی قابل تقسیم است و شامل نذورات و وصایا نیز می‌باشد که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف) هدایای مردمی

ائمه معصوم علیهم السلام معمولاً هدایایی را که به سوی ایشان گسیل می‌شد، می‌پذیرفتند که از باب نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

در حدیثی آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله هدیه را می‌پذیرفت، گرچه جرعه شیر بود؛ ولی از صدقه استفاده نمی‌کرد.^۱ در این باره که پیامبر اسلام هدیه را قبول، ولی صدقه را رد می‌کرد، روایات فراوانی نیز رسیده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۱۴۳).

ابن ابی‌الحدید پس از تبیین علت نپذیرفتن هدیه ابن قیس توسط امیر مؤمنان علیه السلام، از قبول هدایای جماعتی از یاران توسط حضرت حکایت می‌کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱/۲۴۸). برخی هدیه‌ها که حضرت نمی‌پذیرفت جنبه رشوه یا ویژه‌خواری داشته است. به همین دلیل مناسب است که میان این نوع هدایا با هدایای عادی تفکیک قائل شویم. وقتی کنیزی به امام حسن علیه السلام دسته گلی هدیه داد، امام او را آزاد کرد و سپس آیه

۱. «يقبل الهدية ولو أنها جرعة لبن ويأكلها ولا يأكل الصدقة» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/۱۴۶).

شریفه ﴿وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا...﴾ (نساء/ ۸۶) را تلاوت فرمود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۸/۴).

از زمان امام صادق علیه السلام نیز روایات بیشتری شاهد بر دریافت هدایا از سوی امام وجود دارد. در زمان امام صادق علیه السلام هدایایی که به امام پرداخت می‌شد، افزایش یافت. شاید یکی از دلایل آن را بتوان ایجاد فضای مناسب سیاسی سقوط بنی‌امیه و تأسیس حکومت جدید بنی‌عباس و افزایش شیعیان حضرت و توسعه شاگردان ایشان و وصول روایات بیشتری از ایشان دانست و این روند افزایشی در زمان امام کاظم علیه السلام مشاهده می‌شود که به نظر می‌رسد شکل‌گیری کامل نهاد وکالت که از زمان امام صادق علیه السلام تأسیس شده بود، در این امر تأثیر بسزایی داشت و ارسال هدایا از نقاط مختلف امکان‌پذیر شد (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۵۲).

علی بن یقطين از کسانی بود که علاوه بر ارسال وجوهات برای امام کاظم علیه السلام، با فرستادن هدایایی که مبلغ آن از صد تا سیصد هزار دینار می‌رسید، امام را یاری می‌کرد و حضرت با آن پول، هزینه زندگی و ازدواج فرزندان را تأمین کرد (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۳۴).

این هدایا شامل وصیت افراد به امام نیز می‌شده است و این‌گونه وصیت، امری رایج بین شیعیان بوده است (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۵۳). جایگاه معصومان علیهم السلام نزد شیعیان بسیار حائز اهمیت بوده است؛ ولی ارسال هدایا و تحف منحصر به شیعیان نبوده است، بلکه دیگر مسلمانان نیز همواره ایشان را به سبب نسبشان تکریم می‌کردند و هدایایی به پیشگاهشان می‌فرستادند.

ب) صله‌ها و هدایای حکومتی

آنچه از سوی حکومت به پیشوایان معصوم علیهم السلام پرداخت می‌شد، گاه در قالب هدیه و گاه در قالب مقرری‌های منظم حکومتی بود (همان‌ها، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۴۸). در این بخش، صله‌ها و هدایای حکومتی بررسی می‌شود.

بنا بر گزارش‌ها، امام سجاد علیه السلام هدایای ارسالی از سوی حاکمان را قبول می‌کرد. پس از واقعه عاشورا، یزید صد دینار به حضرت پرداخت کرد. ایشان نیز آن را در میان

فقرا و بازماندگان کربلا تقسیم کرد (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۹۵).

روایاتی نیز از بخشش هدایایی از سوی هارون به امام کاظم علیه‌السلام هنگام آزادی حضرت از زندان‌های مکرر او حکایت می‌کند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۶/۱۷).

البته با توجه به سختگیری حکومت‌ها نسبت به امامان علیهم‌السلام و پیروان ایشان، گزارش‌های مربوط به تقدیم هدایای هنگفت از سوی حکومت‌ها به معصومان علیهم‌السلام را نمی‌توان به آسانی پذیرفت و لازم است که در پذیرش این روایات، احتیاط بیشتری کرد. با این حال نمی‌توان پرداخت این هدایا را به شکل کلی انکار کرد. بعید نیست که حکومت‌ها برای ظاهرسازی و به زعم خود برای جلب نظر امامان علیهم‌السلام، هدایایی را تقدیم کرده باشند (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۱).

ماجرای پرداخت نذر ده هزار دیناری مادر متوکل عباسی به امام هادی علیه‌السلام برای بهبود متوکل، از هدایای قابل توجه غیر شیعیان شمرده می‌شود که پس از بهبودی متوکل به امام پرداخت کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۴۱۵).

ضمناً این نکته یادآوری می‌شود که پذیرش هدایا توسط معصومان علیهم‌السلام از نظر حکومت، مجاز و مشروع بوده و حساسیت زیادی درباره این موضوع نبوده است. امام کاظم علیه‌السلام در مورد اموالی که به دست ایشان رسیده بود، مورد سؤال هارون قرار گرفت. حضرت تأکید فرمود که اموال رسیده به ایشان، هدایای مردمی است و از آنجا که دریافت زکات بر ایشان حرام است و از خمس نیز محروم است، پس به ناچار هدایای مردمی را می‌پذیرد؛ زیرا در مضیقه مالی قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۴۸).

امام علیه‌السلام در ملاقات دیگری با هارون ضمن رد اتهام دریافت خراج تأکید کرد: «ما خاندان ابوطالب، هدیه و پیشکشی را که خداوند برای پیامبرش حلال کرده، می‌پذیریم» (مفید، ۱۴۱۳: ۵۵).

اما اینکه چرا امامان معصوم علیهم‌السلام هدایای حکومتی را قبول می‌کردند، در ضمن دلایلی مطرح شده است که بدان پرداخته می‌شود.

امام محمد باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤالی درباره دریافت عطایا و جوایز حاکمان ستمگر با استناد به سیره امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام قبول چنین جوایزی را مجاز

دانست و فرمود:

«ایشان عطایای زورمندانی همچون معاویه را می‌پذیرفتند؛ زیرا آنان شایستگی و حق آنچه را که از معاویه دریافت می‌کردند، داشتند».

سپس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در بیان ضابطه می‌فرماید:

«آنچه در اختیار زورمندان است، بر خود آنان حرام است؛ ولی برای مردم در صورتی که در امور خیر صرف کنند و حق دریافت آن را داشته باشند، حلال است».

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می‌فرماید:

«عطایای آنان بر کسانی که در نافرمانی خدا به آنان خدمت می‌کنند، حرام و نارواست» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۳۲۴/۲).

امامان بخش عمده هدایای حکومتی را برای کمک به مستمندان استفاده می‌کردند و دریافت نکردن این اموال باعث مضیقه مالی شیعیان می‌شد؛ به ویژه آنکه در بسیاری از دوره‌ها، فشارهای اقتصادی و محرومیت شیعیان از حقوق بیت‌المال، از سیاست‌های قطعی خلفا به شمار می‌رفت. افزون بر این، شیعه حق خلافت و تصرف در بیت‌المال مسلمانان را متعلق به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌داند (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

ج) مقرری از بیت‌المال

پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مانند دیگر مردم، از مقرری بیت‌المال (عطا) برخوردار بودند که به طور عمده و به صورت سالیانه به ایشان تعلق می‌گرفت و گزارش‌هایی از دریافت عطا توسط امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وجود دارد (همان: ۱۵۲).

تهدید عبدالملک مبنی بر قطع حقوق امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ از بیت‌المال در صورت واگذار نکردن شمشیر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشان می‌دهد که حضرت از این مقرری برخوردار بوده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۶۵/۴).

درباره مقرری برخی از معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مانند امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گزارشی یافت نشده است که شاید بتوان گفت ضعف و سقوط بنی‌امیه و شکل‌گیری بنی‌عباس، منابع مالی کافی در خزانه حکومت باقی نگذاشته بود. بنابراین احتمال حذف مقرری در این دوره تقویت می‌شود. همچنین گزارشی از تعیین مقرری منظم برای امام هادی و

امام عسکری علیه السلام نیز به دست نیامد. با این حال به لحاظ سکونت ایشان در مقرر حکومت بنی عباس، احتمال دارد که مقرری‌هایی به ایشان تعلق گرفته باشد؛ به ویژه که ایشان در آن دوران، فعالیت اقتصادی نداشتند (صفری فروشانی و اخلاقی، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

نتیجه‌گیری

منظور از سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام، سبک زندگی و رفتارهای ضابطه‌مند نسبتاً ثابت یا سیاست‌گذاری‌هایی است که از عملکرد آن‌ها در عرصه زندگی فردی، اجتماعی و حاکمیتی‌شان قابل استخراج است. بنابراین در سیره، سخن از سبک زندگی فردی، رفتارهای نسبتاً مستمر اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی است. سبک زندگی فردی پیشوایان معصوم را می‌توان به دو بخش مصارف، و کار و تولید طبقه‌بندی کرد. از آنجا که گنجینه بزرگی از سخنان و رفتارهای اقتصادی اهل بیت علیهم السلام در دسترس ما قرار دارد، جمع‌آوری و ارائه آن‌ها به صورت تخصصی و منسجم می‌تواند در خانواده و جامعه و بهبود شیوه زندگی اقتصادی و سامان‌دهی بهینه آن مؤثر باشد.

این تحقیق تلاشی در جهت کشف شیوه‌های مستمر کسب درآمد معصومان علیهم السلام است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عمده فعالیت‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام را کشاورزی، دامداری، تجارت و فروش خدمت تشکیل می‌داده است. پیشوایان معصوم علیهم السلام اقدام به فعالیت اقتصادی منتج به تولید طیب و مولد می‌کردند. در سیره اقتصادی پیشوایان معصوم علیهم السلام، کار و تلاشی مطلوب است که افزون بر مولد بودن، در راستای تولید طیب قرار گیرد که علاوه بر ایجاد اثر مثبت خارجی و تأمین نیازهای واقعی مصرف‌کنندگان، عاری از هزینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی باشد. ارث، موقوفات، هدایا و تحف، از دیگر منابع درآمدی پیشوایان معصوم علیهم السلام محسوب می‌شوند.

کتاب شناسی

۱. نهج البلاغه، گردآوری محمد بن حسین الشریف الرضی، تصحیح فیض الاسلام، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین ابو حامد عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، قم، دار سیدالشهداء (ع) للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن اثیر جزری، مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن ابی الکریم محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثار، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۵. ابن اسحاق بن یسار، محمد، سیرة ابن اسحاق المسماة بکتاب السیر و المغازی، تحقیق سهیل زکار، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن حنبل شیبانی، ابو عبدالله احمد بن محمد، المسند، تحقیق عبدالله محمد الدرویش، چاپ دوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۸. ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، نرم افزار المکتبة الشاملة، بی تا.
۹. ابن سبئه نمیری بصری، ابوزید عمر، تاریخ المدینة المنورة، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، ابو جعفر رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۱. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، جهان، ۱۳۴۸ ش.
۱۲. ابن فهد حلّی، جمال الدین احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، تهران، دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمة فی معرفة الائمة (ع)، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۶. امینی، رعیا، «سمت و سوی اقتصادی سال جدید: تولید و اشتغال مولد، کلید تحقق اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۶»، پایگاه خبری مقاومتی نیوز، شناسه خبر: ۱۴۶۷۳.
۱۷. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، تحقیق محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الاحکام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۵ ق.
۱۹. توکلی، محمدجواد، خاکریز اقتصادی؛ خوانشی بر اقتصاد مقاومتی، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۶ ش.
۲۰. همو، «شاخص تجارت خارجی در رویکرد اسلامی»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.

۲۱. توکلی، محمدجواد، و عباس شفیعی نژاد، «شاخص تولید خالص داخلی طیب»، *مجله معرفت اقتصاد اسلامی*، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۲۲. جباری، محمدرضا، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه اطهار*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. همو، «سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله»، *مجله نامه تاریخ پژوهان*، سال دوم و سوم، شماره‌های ۹-۸، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶ ش.
۲۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. همو، *هدایة الامة الی احکام الائمة اطهار*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. حسینی، سیدعلی، «تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حوزه اقتصاد کشاورزی»، *مجله معرفت اقتصاد اسلامی*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۲۷. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. ذاکری، علی اکبر، *سیره اقتصادی معصومان اطهار* در کتاب‌های چهارگانه شیعه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۲۹. رشاد، علی اکبر، *دانشنامه امام علی اطهار*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۳۰. سبحانی تبریزی، جعفر، *نظام المضاربه فی الشریعة الاسلامیة الغراء*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.
۳۱. شریفی، صدیقه و همکاران، «تیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، *مجله مطالعات مدیریت راهبردی*، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۶ ش.
۳۲. شیرزاد، روح‌الله، «منابع مالی و درآمدی امامان معصومین علیهم السلام»، *ماهنامه معرفت*، سال بیست و پنجم، شماره ۲۲۷، آبان ۱۳۹۵ ش.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الامالی*، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳۴. همو، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داور، ۱۳۸۵ ش.
۳۵. همو، *عیون اخبار الرضا اطهار*، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳۶. همو، *معانی الاخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۳۷. همو، *من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. صفری فروشانی، نعمت‌الله، و معصومه اخلاقی، «جایگاه هدایا در منابع مالی ائمه اطهار علیهم السلام»، *مجله تاریخ درآینه پژوهش*، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۳۹. همان‌ها، *حیات اقتصادی امامان اطهار از صلح امام حسن اطهار تا آغاز غیبت صغری*، قم - مشهد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳ ش.
۴۰. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴۱. همو، *تهذیب الاحکام*، تحقیق سیدحسن خراسان، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. علیدوست خراسانی، نورالله، *منابع مالی اهل بیت اطهار*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
۴۳. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، *کتاب الوافی*، تصحیح سیدضیاءالدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.

۴۴. کریم، محمدحسین و همکاران، «توسعه کشاورزی و اقتصاد مقاومتی، جایگزین نفت»، سیاست‌های راهبردی وکلان، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۴۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چاپ پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۸۱ ش.
۴۸. مظفری، محمد مهدی، «تأثیر سبک زندگی امیر مؤمنان علی علیه السلام بر کارآفرینی و تولید ثروت در راستای اصول اقتصاد مقاومتی»، ماهنامه معرفت، سال بیست و هفتم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۹۷ ش.
۴۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، الاختصاص، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. مقدسی، یدالله، سیره معیشتی معصومان علیهم السلام، قم، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
۵۱. منسوب به امام رضا علیه السلام، الفقه للمنسوب للإمام الرضا علیه السلام، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۶ ق.
۵۲. میرمعزی، سیدحسین، عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران، سروش، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۵۳. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۵۴. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۵۵. یوسفی، احمدعلی، «عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام با اشاره موردی به نظام سرمایه‌داری لیبرال»، مجله کتاب نقد، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۴ ش.